

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۰۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۰۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

# شترت روزنامه

یکشنبه ۵ مهر ۱۴۰۵ • ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸ • ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۶ • سال بیست‌وسوم • شماره ۵۴۸۵ • صفحه اذان ظهر تهران ۱۱:۵۵ • اذان مغرب ۱۸:۰۲ • اذان صبح فردا ۴:۳۳ • طلوع آفتاب ۵:۵۷



پروش میگو یکی از فعالیت‌های مهم آتری پروری در شمال کشور است که در استان گلستان، از جمله درشهر کمیشان، رونق قابل توجهی داشته است. حدود ۸۰ درصد میگوی عمل‌آوری‌شده در گلستان به بازارهای خارجی صادر می‌شود. روسیه، امارات متحده عربی، عمان و قطر از مهم‌ترین مقاصد صادراتی میگوی گلستان به شمار می‌روند و بخشی از محصول نیز راهی بازار چین می‌شود. عکس: محمد نسایی، ایسنا

instagram:sharghdaily1    twitter:sharghdaily    youtube:sharghdaily    Telegram:SharghDaily    aparat:tasvirshargh    www.sharghdaily.com

#### روزها

### نیاز به تغییر شیوه‌سربریاز

روز سرباز اسمال در شرایطی رسید که تجربه دو درگیری مستقیم نظامی در جنگ ۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه، بار دیگر اهمیت نیروی انسانی آموزش‌دیده، متخصص و آماده‌به‌کار را در معادلات دفاعی برجسته کرده است؛ تجربه‌ای که می‌تواند فرصتی برای بازاندیشی در این پرسش باشد که آیا همه نیازهای نیروی انسانی نیروهای مسلح باید از مسیر سرباز وظیفه تأمین شود یا بخشی از این نیاز مهم و استراتژیک را می‌توان با جذب نیروهای حرفه‌ای، حقوق‌گیر و ماندگار پاسخ داد. ایرنا گزارش می‌دهد که این زمینه تهیه و اشاره کرده است که ماهیت تهدیدات نیز در سال‌های گذشته تغییر کرده است؛ به‌پهاده‌ها، پدافند، جنگ الکترونیک، سامانه‌های اطلاعاتی و سایبری و تجهیزات پیچیده تسلیحاتی، بیش از گذشته به نیروهای آموزش‌دیده و متخصص نیاز دارند؛ نیروهایی که برای کسب مهارت و تجربه، به دوره‌های آموزشی و استمرار حضور در ساختارهای نظامی نیازمندند. همین تغییرات، در کنار مباحث اجتماعی و اقتصادی مرتبط با خدمت وظیفه، بحث درباره مدل تأمین نیروی انسانی نیروهای مسلح را به یکی از موضوعات مورد توجه مجلس و مسئولان نظامی تبدیل کرده است. بحث درباره تغییر مدل سربازی موضوع تازه‌ای نیست.

اهمیت سربازی حرفه‌ای زمانی بیشتر می‌شود که تجربه جنگ ۱۲ روزه در سال ۱۴۰۴ و جنگ ۴۰ روزه با آمریکا و اسرائیل را در نظر بگیریم؛ جنگ تحمیلی‌ای که در جریان آن، رژیم صهیونیستی و آمریکا مستقیم‌کنشور را مورد حمله قرار دادند. این جنگ نشان داد مفهوم «نیروی نظامی» دیگر صرفاً به تعداد نیروهای حاضر در میدان محدود نیست. در یک درگیری مدرن، آموزش تخصصی، سرعت تصمیم‌گیری، شناخت سامانه‌ها، توان کار با تجهیزات پیشرفته، پدافند، عملیات پهپادی، جنگ الکترونیک، ارتباطات، اطلاعات و توان استمرار خدمت در شرایط بحران، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

در چنین شرایطی، این پرسش قابل طرح است که آیا ساختار فعلی سربازی می‌تواند علاوه بر تأمین نیروی انسانی مورد نیاز دوره ضرورت، به بستری برای شناسایی و حفظ نیروهای متخصص نیز تبدیل شود؟ به بیان دیگر، شاید مسئله آینده سربازی الزاما «حذف سربازی» نباشد، بلکه تفکیک میان نیروی وظیفه و نیروی حرفه‌ای باشد.

جوانی که در ۱۹، ۱۸ یا ۲۰ سالگی وارد دوران خدمت سربازی می‌شود، ممکن است دانشجوی رشته مهندسی، متخصص فناوری اطلاعات، پزشک، تکنسین، کارشناس مخابرات یا دارای مهارت‌های فنی دیگری باشد. بخشی از این ظرفیت در پایان خدمت از نیروهای مسلح خارج می‌شود، در حالی که ممکن است همان فرد در حوزه تخصصی خود برای ساختار دفاعی کشور ارزش افزوده بیشتری ایجاد کند. یکی از موضوعاتی که می‌تواند به اصلاح نظام سربازی مورد بررسی قرار گیرد، ایجاد مسیر داوطلبانه تبدیل خدمت به اشتغال حرفه‌ای است؛ یعنی جوانی که در دوران خدمت توانایی و علاقه خود را نشان می‌دهد و نیروهای مسلح نیز به تخصص او نیاز دارند، بتواند با سازوکار قانونی مشخص، پس از ازنهایی و طی‌کردن دوره‌های لازم، به نیروی حرفه‌ای تبدیل شود. این مسیر البته به معنای استخدام خودکار همه سربازان نیست، بلکه می‌تواند یک نظام انتخاب، آموزش و استخدام مبتنی بر نیاز نیروهای مسلح باشد. افزایش حقوق سربازان، بهبود شرایط خدمت، مهارت‌آموزی، استفاده از تخصص سربازان، اتصال میان خدمت و زندگی حرفه‌ای و ایجاد مسیر روشن برای استخدام بخشی از سربازان می‌تواند مجموعه‌ای از سیاست‌های مکمل باشد. در این میان، «حقوق‌گیرشدن سرباز» به‌تنهایی مسئله را حل نمی‌کند؛ آنچه می‌تواند مدل جدیدی ایجاد کند، ترکیب حقوق مناسب با آموزش، تخصص، مسیر ارتقای شغلی، ایجاد سابقه و امنیت شغلی و نظام ارزیابی است. تجربه دو جنگ اخیر، تغییر فناوری‌های نظامی و افزایش اهمیت نیروهای متخصص، این پرسش را بیش از گذشته به یک موضوع قابل بررسی تبدیل کرده است؛ موضوعی که پاسخ به آن نیازمند بررسی هم‌زمان نیازهای دفاعی، ظرفیت اقتصادی، حقوق جوانان و الزامات حرفه‌ای‌شدن نیروهای مسلح است. در این صورت، شاید

روز سرباز بتواند علاوه بر تقدیر از سربازان امروز، فرصتی برای طراحی آینده سربازی نیز باشد؛ آینده‌ای که در آن کارت پایان خدمت فقط یکی از خروجی‌های سربازی باشد و برای جوانانی که تخصص، انگیزه و شرایط لازم را دارند، قرارداد استخدام و ادامه خدمت حرفه‌ای نیز به عنوان یک مسیر واقعی و شفاف تعریف شود.

فایننشال‌تایمز از قول مقامات بروکسل به کشورهای عضو اتحادیه اروپا هشدار داده ناتوانی در مدیریت بحران انرژی و پیامدهای اقتصادی آن، زمینه را برای قدرت‌گیری جریان‌های راست‌گرای افراطی در سراسر قاره سبز فراهم می‌کند. این گزارش تأکید می‌کند تداوم فشارهای تورمی و هزینه‌های بالای انرژی، نارضایتی‌های عمومی را به‌شدت افزایش داده و سیاست‌مداران حاکم باید با اتخاذ تصمیمات قاطع، راهکارهای عملی برای کاهش بار مالی مردم بیابند. این موضوع را چگونه می‌توان توضیح داد و به عبارت دیگر چه نسبتی بین مدیریت بحران انرژی و راست افراطی (مسامحتا همان پوپولیسم راست) وجود دارد؟ «شانتال موفه»، فیلسوف سیاسی معاصر، در آرای خود به همین قضیه پرداخته است. او معتقد است با این شیوه از سیاست‌ورزی در اروپا (که اسم آن را «خصوصی‌سازی زندگی» گذاشته) شهروندان به‌تدریج انگیزه و دل‌ودماغ حضور در عرصه اداره سازمان‌های سیاسی را از دست می‌دهند. بنابراین آن ثباتی که سیاست‌گذاران وعده‌اش را داده بودند، محقق نمی‌شود. اینجا می‌توان مدیریت بحران انرژی را جلوه‌ای از همین وعده‌ها قلمداد کرد که در سال‌های اخیر تلاش‌های زیادی را از سوی سیاست‌گذاران و اقتصاددانان معطوف خود کرده است. «موفه» می‌گوید امکان این‌همانی (همذات‌پنداری) با مفاهیم ارزشمند شهروندی از بین رفته، بنابراین خیلی از مردم به‌طور فزاینده به دنبال سایر فرم‌ها و صورت‌های همذات‌پنداری جمعی می‌روند. این وضعیت می‌تواند پیوندهای مدنی را (که باید یک اجتماع سیاسی دموکراتیک را یکپارچه و متحد نگاه دارد) به خطر بیندازد. به نظر موفه رشد بنیادگرایی‌های مذهبی، اخلاقیاتی و قومیتی را می‌توان از همین منظر توجیه کرد و آن را پیامد مستقیم نقصان دموکراتیک برشمرد. در عین حال او معتقد است یکی دیگر از پیامدهای نگران‌کننده نقصان دموکراتیک، این است که نقش احزاب پوپولیستی دست راستی به‌شدت

افزایش می‌یابد. به نظر «موفه»، رشد و اهمیت و نقش این احزاب را باید در همان بستر و زمینه‌ای دید که ایده «اجماع در مرکز» را پدید آورده است. این ایده به پوپولیست‌ها اجازه می‌دهد اجماع غالب را به چالش کشیده و خود را به‌منزله تنها نیروی ساختارشکن و ضدحاکمیتی که بیانگر و تجلی اراده مردمی است، جا بزنند. به لطف تئوریک بلاغی هوشمندانه پوپولیستی است که این احزاب قادر خواهند شد مطالبات هواداران بخش‌های پوپولار را مفصل‌بندی کنند. توفیقات اخیر این احزاب در آلمان و فرانسه را باید در همین راستا تصور کرد. ادعاهای احزاب پوپولیستی این است که نخبگان مدرن عملاً اقشار مردمی را تحقیر و مذمت کرده و آنها را مرتجع و منحط قلمداد می‌کنند و حق حاکمیت بر مردم را فقط منحصر به خود می‌دانند. موفه افسوس می‌خورد که اگر انتخاب‌های سیاسی واقعی‌تری در گستره سنت دموکراتیک در دسترس قرار می‌داشت، آنگاه چنین وضعیتی حادث نمی‌شد. موفه از نوعی «کسری دموکراتیک» صحبت می‌کند که با توجه به نقش مرکزی ایده حاکمیت پوپولار در تصورات و انگاره‌های دموکراتیک، می‌تواند آثار بسیار خطرناکی بر نهادهای دموکراتیک بر جای بگذارد. مشروعیت قابل ملاحظه

#### یادداشت

### به بهانه روز جهانی گردشگری ۲۰۲۶

## هوش مصنوعی؛ از ابزار خدمات رسان تا شریک تصمیم‌گیری

#### حسن تقی زاده انصاری\*

روشنی دارد: مسافر ممکن است برای ایده‌پردازی و برنامه‌ریزی به هوش مصنوعی تکیه کند، اما در لحظه حساس خرید نهایی، همچنان به اعتبار و اعتماد برندهای شناخته‌شده نیاز دارد. فراتر از برنامه‌ریزی سفر، هتل‌هایی مانند Iberostar نیز نشان داده‌اند هوش مصنوعی می‌تواند در حوزه‌هایی مانند کاهش ضایعات غذایی، به بهبود بهره‌وری و پایداری کمک کند. پیام مشترک این تجربه‌ها روشن است: ارزش واقعی هوش مصنوعی در تعداد ابزارهایی که در اختیار ما قرار می‌دهد نیست، بلکه در توانایی آن برای حل مسائل واقعی صنعت گردشگری است.

**هوشمندی اگر مسئولانه نباشد، کافی نیست**

با این حال، هر تحول فناورانه‌ای الزاما به معنای پیشرفت نیست. اگر الگوریتم‌ها عمدتا بر اساس داده‌های گذشته تصمیم بگیرند، به تغییر رفتار گردشگران چه خواهند کرد؟ اگر سامانه‌های هوشمند همواره مقصدهای محبوب را پیشنهاد دهند، آیا به تشدید ازدحام بیش از حد در این مقاصد منجر نمی‌شوند؟ و اگر داده‌های شخصی مهم‌ترین ابزار شخصی‌سازی خدمات باشند، مرز میان ارائه خدمت بهتر و نقض حریم خصوصی کجاست؟ از همین‌جا مسئله هوش مصنوعی از یک موضوع صرفاً فنی فراتر می‌رود و وارد حوزه‌های حکمرانی، اخلاق و اعتماد می‌شود.

**چالش دولت‌ها: ایجاد اکوسیستم، نه صرفاً خرید فناوری**

برای سیاست‌گذار پرسش اصلی نباید این باشد که «چه فناوری‌ای بخیریم؟» پرسش بنیادین این است که چه اکوسیستمی ایجاد کنیم تا فناوری بتواند به صورت مسئولانه، ایمن و فراگیر ارزش آفرینی کند؟ گردشگری هوشمند به داده‌های باکیفیت نیاز دارد، اما داده‌های گردشگران دارایی‌هایی حساس هستند. شفافیت الگوریتم‌ها، امنیت داده‌ها و جلوگیری از تبعیض الگوریتمی، به چارچوب‌های حقوقی و قواعد روشن نیاز دارد. در این میان، خطر «شکاف دیجیتال» نیز تهدیدی جدی است. اگر فناوری به شرط اصلی رقابت تبدیل شود، کسب‌وکارهای کوچک و مقصدهایی که منابع مالی و زیرساختی کمتری دارند، ممکن است بیش از پیش از رقابت عقب بمانند.

**کسب‌وکارها: فرصت بزرگ، وابستگی بزرگ**

برای بخش خصوصی، هوش مصنوعی از پیش‌بینی تقاضا تا مدیریت ارتباط با مشتری می‌تواند تحول‌آفرین باشد؛ اما روی دیگر این فرصت، خطر

وابستگی شدید به پلتفرم‌های بزرگ است. کسب‌وکاری که صرفاً مصرف‌کننده فناوری باشد، ممکن است به‌تدریج بخشی از داده‌ها و قدرت تصمیم‌گیری خود را به دیگران واگذارد. بنابراین، سرمایه‌گذاری در امنیت داده، آموزش نیروی انسانی و توسعه توانمندی‌های داخلی، باید بخشی از راهبرد بقا و رقابت‌پذیری کسب‌وکارها باشد.

**دانشگاه: از تماشاگر تا بازیگر**

هوش مصنوعی مرزهای سنتی دانش گردشگری را نیز جابه‌جا کرده است. پژوهش‌های آینده دیگر نمی‌توانند میان مدیریت گردشگری، اقتصاد، علوم داده و اخلاق، مرزهای سخت و جداگانه‌ای ترسیم کنند. دانشگاه باید هم کاربردهای فناوری را رصد کند و هم پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن را مورد تحلیل قرار دهد تا بتواند به حلقه اتصال میان دانش، صنعت و سیاست‌گذاری تبدیل شود.

**گردشگری همچنان یک صنعت انسان‌محور است**

در هیاهوی الگوریتم‌ها و افزایش بهره‌وری، نباید یک واقعیت ساده را از یاد برد: گردشگری بیش از هر چیز، تجربه‌ای انسانی است. گردشگر فقط بلیت، اتاق یا یک خدمت نمی‌خرد؛ او به دنبال کشف، ارتباط، تعامل و خلق خاطره است. هوش مصنوعی می‌تواند بهترین مسیر را پیشنهاد دهد، ولی جای گفت‌وگو صمیمانه با یک میزبان محلی را نمی‌گیرد. آینده گردشگری، فرصت‌های آینده را از دست ندادیم؛ اما اگر فناوری بتواند به تصمیم‌گیری دقیق‌تر، تجربه‌ای عمیق‌تر، توزیع عادلانه‌تر منافع و حفاظت بهتر از مقصدها کمک کند، آن‌گاه هوش مصنوعی می‌تواند به شریکی واقعی برای بازرگانی پایدار گردشگری تبدیل شود. ماشین می‌تواند به ما کمک کند بهتر ببینیم، تحلیل کنیم و تصمیم بگیریم؛ اما اینکه چه آینده‌ای را شایسته ساختن می‌دانیم، همچنان یک تصمیم انسانی است.

**پرسش بزرگ‌تر: چه آینده‌ای می‌سازیم؟**

پرسش اصلی در سال ۲۰۲۶ دیگر این نیست که آیا هوش مصنوعی گردشگری را متحول خواهد کرد یا نه؛ این تحول آغاز شده است. پرسش کلیدی این است: چه نوع گردشگری را می‌خواهیم با هوش مصنوعی شکل دهیم؟ اگر پاسخ فقط سرعت بیشتر، هزینه کمتر و سود بالا باشد، بخشی از فرصت‌های آینده را از دست داده‌ایم؛ اما اگر فناوری بتواند به تصمیم‌گیری دقیق‌تر، تجربه‌ای عمیق‌تر، توزیع عادلانه‌تر منافع و حفاظت بهتر از مقصدها کمک کند، آن‌گاه هوش مصنوعی می‌تواند به شریکی واقعی برای بازرگانی پایدار گردشگری تبدیل شود. ماشین می‌تواند به ما کمک کند بهتر ببینیم، تحلیل کنیم و تصمیم بگیریم؛ اما اینکه چه آینده‌ای را شایسته ساختن می‌دانیم، همچنان یک تصمیم انسانی است.

**«کار آفرین گردشگری و نایب‌رئیس شبکه جهانی متخصصین گردشگری فارسی‌زبان (شگرف)**

#### حقوق خوانی

به بهانه اعلام جرم دادستانی تهران علیه عوامل یک نمایش

### الگوی‌گزینشی



مهدی کوهیان

اگر کسی صرفا اخبار اعلام جرم دادستانی تهران را پیگیری کند، تصویر غالب او از جرائم رخ داده در پایتخت تقریبا چنین شکل می‌گیرد: جرم اصلی و پرتکرار، «اخلال در امنیت روانی جامعه» است. بررسی نگارنده از اخبار منتشرشده در اعلامیه‌های رسمی دادستانی از ابتدای سال ۱۴۰۰ تا امروز، نشان می‌دهد این اعلام جرم‌ها با نسبت‌های تقریبی زیر توزیع شده‌اند:

● **فعالان مجازی و بلاگرها:**

۳۲ تا ۳۷ درصد

● **مطبوعات، رسانه‌ها و برنامه‌های اینترنتی:**

۲۵ تا ۳۰ درصد

● **هنرمندان و چهره‌های شناخته‌شده:**

۱۲ تا ۱۵ درصد

- **احزاب و گروه‌های سیاسی:** ۸ تا ۱۲ درصد
- **حامیان محکومان و بازداشت‌شدگان اعتراضات:** ۷ تا ۱۰ درصد
- **کالبدداری سازمان‌یافته، رمزارز و تعهدات ارز:** ۵ تا ۸ درصد
- **رویدادهای عمومی و کافه‌ها:** ۳ تا ۵ درصد
- **افراد عادی و شهروندان ناشناس فضای مجازی:** ۳ تا ۵ درصد
- **متخلفان زیست‌محیطی و تصرف اراضی:** یک تا ۲ درصد
- **سایر موارد:** کمتر از یک درصد

در حوزه‌هایی همچون جرائم اقتصادی سازمان‌یافته، تعهدات ارزی و جرائم زیست‌محیطی، اعلام جرم‌ها نه از سر پیگیری مستمر و پیشگیرانه، بلکه بیشتر در مواقعی بوده که ورود مدعی‌العموم اجتناب‌ناپذیر شده است. این موارد بسیار محدود و موردی هستند و با احساس عمومی جامعه از حجم و آثار این جرائم، به‌ویژه در شرایط دشوار اقتصادی، تاسی ندارند. اعلام جرم اخبار علیه عوامل یک تئاتر یا مخاطبان اندک، بار دیگر همین الگو را بازتولید می‌کند. در شرایطی که کشور با تبعات جنگ تحمیلی اخیر روبه‌رو است و مردم روزانه با فشار معیشتی، نااطمنانی سیاسی و تنش‌های اجتماعی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، چنین اقداماتی نه احساس امنیت ایجاد می‌کند و نه اعتماد می‌آفریند، بلکه ششم و سرخوردگی را دامن می‌زند. شهروندانی که برای تأمین هزینه‌های روزمره خود با تورم و بی‌ثباتی اقتصادی درگیر هستند، وقتی مشاهده می‌کنند مدعی‌العموم منابع خود را صرف تعقیب عوامل یک اجرای محدود تئاتر می‌کند، به‌درستی این پرسش را مطرح می‌کنند که آیا اولویت‌بندی‌ها با واقعیت‌های جامعه همخوان است یا خیر؟ آنچه از فضای عمومی استنباط می‌شود، این است که انتهاب‌آفرینی واقعی، گاه از همین خبررسانی‌های گزینشی ناشی می‌شود، نه لزوماً تا آنچه دادستانی به‌عنوان تهدید امنیت روانی معرفی می‌کند.

شرایط پس از جنگ اخیر، حوزه‌ای به مراتب پیچیده‌تر از صحنه تئاتر، سینما و فضای مجازی است. فشارهای معیشتی، اختلال در روابط اقتصادی و شکاف‌های اجتماعی، بستر مساعدی برای شکل‌گیری بسیاری از آسیب‌ها فراهم کرده‌اند. در چنین فضایی، تمرکز مکرر اعلام جرم‌های علنی بر حوزه‌های فرهنگی و رسانه‌ای، این شائبه را تقویت می‌کند که تا تشخیص اولویت‌ها با نیازهای واقعی جامعه فاصله دارد یا نگاه مدعی‌العموم بیشتر متوجه حوزه‌هایی است که قابلیت خیرسازی دارند تا حوزه‌هایی که مردم عادی هر روز با پیامدهای آنها مواجه‌اند.

تأکید بر صیانت از امنیت روانی جامعه، فی‌نفسه محل تردید نیست و از وظایف قانونی مدعی‌العموم به شمار می‌رود. اما وقتی اعلام جرم در چند سال اخیر تا این حد بر تئاتر، رسانه و فضای مجازی متمرکز می‌شود و ورود به حوزه‌های اقتصادی و زیست‌محیطی فقط در موارد ناگزیر و بسیار محدود رخ می‌دهد، خود این الگوی گزینشی می‌تواند به منبع بی‌اعتمادی عمومی بدل شود. اعلام جرم علیه عوامل یک تئاتر در بستر کنونی کشور، بیش از آنکه نماد جدیت در صیانت از نظم عمومی باشد، نشانه‌ای از فاصله میان اولویت‌های رسمی و دغدغه‌های واقعی شهروندان است. شاید زمان آن رسیده باشد که مدعی‌العموم، فراتر از رصد صحنه‌های کم‌مخاطب، توجه جدی‌تری به حوزه‌هایی مبذول دارد که پس از جنگ اخیر، به‌راستی تهدید جدی‌تری برای امنیت و آرامش جامعه محسوب می‌شوند.

## ۲.۵ میلیارد تومان

فاطمه محیطی‌زاده که در رقابت‌های هفت‌گانه بازی‌های آسیایی آچیچی ناگويا ۲۰۲۶ حضور داشت، به دلیل کشف نامناسب از مسابقات حذف شد و دیسکالیفه شد. او از طرف کمیته ملی المپیک قرار است مبلغ ۲.۵ میلیارد دریافت کند. این ملی‌پوش جوان ایران پس از پشت سر گذاشتن شش ماهه از رقابت‌های هفت‌گانه و کسب چهارهزارو ۹۲۵ امتیاز در جایگاه دوم جدول قرار داشت و حتی انتظار دریافت مدال برای او وجود داشت. اما در ادامه نتیجه او به دلیل موضوع مربوط به کشف مورد استفاده در رقابت پرش طول از سوی مسئولان مسابقات باطل و کنار گذاشته شد.

## ۲ سرطان

حسین کرمانپور، سخنگوی وزارت بهداشت، درباره اینکه ممکن است دولت بتواند هزینه درمان سرطان را رایگان کند، خبر داد: «در مرحله نخست، مقرر شده است بانوان مبتلا به سرطان پستان و سرطان دهانه رحم که در شهرهای تحت پوشش برنامه پزشکی خانواده و نظام ار جاع زندگی می‌کنند، مشمول این طرح شوند. ثبت‌نام این افراد از طریق سامانه‌ای که در مهرماه فعال خواهد شد، انجام می‌شود و جزئیات مربوط به نحوه ثبت‌نام از سوی وزارت بهداشت به اطلاع مردم خواهد رسید. هزینه درمان این بیماران به‌تدریج کاهش خواهد یافت تا در نهایت به صفر برسد.»